



Assessment of the Relationship Between Cultural Policy and Good Governance (Case Study: Ministry of Culture and Islamic Guidance and Social Excellence, August 2019–August 2021)

Elham Sattari¹, Arsalan Ghorbani Sheikhneshin² , Reza Simbar³ 

¹ *PhD. Student, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Mashregh.institute@yahoo.com*

² *Professor, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding author). ghorbani@khu.ac.ir*

³ *Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran. simbar@guilan.ac.ir*

Abstract

The present study investigates the relationship between two variables: cultural policy-making and good governance. To assess the impact of this relationship, the Ministry of Culture and Islamic Guidance—one of the most significant macro-level institutions in the realm of cultural policy-making—has been selected. The study evaluates the role of this institution's policy-making actions in promoting social excellence. The central research question is: How does cultural policy-making by the Ministry of Culture and Islamic Guidance during the period from August 2019 to August 2021 influence the concept of good governance? It appears that cultural policy-making by macro-level institutions, through its core functions, enhances good governance in the cultural, artistic, media, and religious development sectors by increasing social capital, social trust, vitality, and hope. This leads to the formation of a moral and religious society. These indicators can be conceptualized under the term "social excellence." The selected case in the Ministry's cultural policy-making is "social harms." This study aims to demonstrate how the Ministry's policy-making strategies regarding social harms affect the social excellence index. The research employs a mixed-methods approach. Initially, through purposive sampling, data from cultural officials were collected via semi-structured interviews. Using grounded theory methodology, a cultural policy model in the field of social harms was developed. To prioritize these policies, questionnaires were distributed in three critical and crisis-prone regions, and the "Analytic Hierarchy Process" (AHP) technique was used to rank cultural policies in the area of social harms. The dimensions of the cultural policy model for reducing social harms were identified in 35 main categories within the model.

Keywords: Cultural Policy-Making, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Social Excellence, Good Governance.

Received: 2024-04-12 ; Received in revised form: 2024-05-08 ; Accepted: 2024-05-24 ; Published online: 2024-09-29

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.2023897.2192>

© the authors


<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



سنجش ارتباط میان سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی خوب (نمونه موردی: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تعالی اجتماعی دوره زمانی مرداد ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۴۰۰)

الهام ستاری^۱، ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۲، رضا سیمبر^۳ 

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Mashregh.institute@yahoo.com

^۲ استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ghorbani@khu.ac.ir

^۳ استاد، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. simbar@guilan.ac.ir

چکیده

مسئله پژوهش حاضر بررسی سنجش ارتباط میان دو متغیر سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی خوب است. بر این اساس برای بررسی میزان اثرگذاری این ارتباط یکی از مهم‌ترین نهادهای کلان و مهم در ساحت سیاست‌گذاری فرهنگی یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شده و نقش کنش‌های سیاست‌گذارانه این نهاد در تعالی اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرد. سوال اصلی پژوهش این است که سیاست‌گذاری فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره زمانی مرداد ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۴۰۰ چگونه بر مقوله حکمرانی خوب اثر می‌گذارد؟ به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری فرهنگی از سوی نهادهای کلان در کارکردهای اصلی خود، با اثرگذاری بر میزان افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نشاط و امید اجتماعی، موجب بهبود حکمرانی خوب در بخش فرهنگی، هنری، رسانه‌ای و توسعه فرهنگ دینی شده و دستیابی به جامعه‌ای اخلاقی و دیندار را در پی دارد. این شاخص‌ها را می‌توان در مفهوم «تعالی اجتماعی» صورت‌بندی کرد. نمونه انتخاب شده در سیاست‌گذاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «آسیب‌های اجتماعی» است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا نشان داده شود که راهبردهای سیاست‌گذارانه وزارتخانه در موضوع آسیب‌های اجتماعی چگونه بر شاخص تعالی اجتماعی اثرگذار است. راهبرد این پژوهش از نوع آمیخته می‌باشد. ابتدا با نمونه‌گیری هدفمند، داده‌های افراد صاحب منصب در حوزه فرهنگ از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری شده و با استفاده از روش نظریه برخاسته از داده، مدل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی طراحی گردید. جهت اولویت‌بندی این سیاست‌ها، پرسشنامه‌هایی در سه منطقه حاد و بحرانی توزیع شده و با استفاده از تکنیک «تحلیل سلسله مراتبی»، سیاست‌های فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی اولویت‌بندی شدند. ابعاد مدل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی در ۳۵ مقوله اصلی در قالب مدل شناسایی شده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعالی اجتماعی، حکمرانی خوب.

استاد به این مقاله: ستاری، الهام؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ سیمبر، رضا (۱۴۰۳). سنجش ارتباط میان سیاست‌گذاری فرهنگی حکمرانی خوب (نمونه موردی: وزارت فرهنگ و ارشاد و تعالی اجتماعی دوره زمانی مرداد ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۴۰۰). *سیاست متعالیه*، ۱۲(۳): ۲۴۸-۲۲۷.

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.2023897.2192>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

جوامع در طول حیات خود با مسائل و مشکلات مختلفی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی مواجه می‌شوند. در حوزه فرهنگی نیز این مشکلات می‌تواند در عرصه‌های مختلفی همچون آسیب‌های فرهنگی یا آسیب‌های اجتماعی ایجاد شود و به تناسب انواع آن، تمهیدات متعددی جهت کنترل و کاهش آنها اتخاذ می‌شود. پرخاشگری و جنایت، خودکشی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، روسپیگری و... نمونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی‌اند که کم و کیف آنها برحسب زمان و مکان تغییر می‌کند (عیوضی، ۱۴۰۰: ص ۸۹۲-۸۵۹). هنگامی که سطح آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، تعالی اجتماعی به شکل روشنی، کاهش می‌یابد. در نتیجه این امر، چرخه قوام‌بخشی متقابل افزایش آسیب و تخریب تعالی اجتماعی، مدام تکرار می‌شود و در هر دور نیز با سرعت و قدرت بیشتری به حرکت خود ادامه می‌دهد. این امر، نشانگان روشنی بر خلأ سیاست‌گذاری در این زمینه و بحرانی بودن مسیر دستیابی به حکمرانی خوب است. در فضای عکس آن، دستیابی به حکمرانی خوب از رهگذر سیاست‌گذاری‌های نهادی، میسر است. به این معنا که، نهادهای مختلف سیاست‌گذار چه برداشتهایی از مسئله‌های پیش‌روی خود دارند و برای حل آن، چگونه سیاست‌گذاری می‌کنند؟ و بروندادهای سیاستی آنها چه پیامدهایی داشته یا حداقل، در مرحله عمل چگونه در حال اجرا است؟ به عبارت دیگر، برای شناخت رابطه دو متغیر سیاست‌گذاری و حکمرانی خوب می‌توان از جزء به کل حرکت کرد (روش)؛ یعنی به جای بررسی اسناد و قوانین و آراء و... یک نمونه موردی را در عرصه واقعی اجتماعی انتخاب کرد و با پیمایش میدانی، به نتایجی از ارتباط میان سیاست‌گذاری و رسیدن به شاخص‌های مطرح شده در سیاست‌گذاری دست یافت.

سیاست‌گذاری فرهنگی ناظر به تدوین اصول و مبانی اقدامات فرهنگی توسط دولت و نهادهای حاکمیتی فرهنگی است. با توجه به تأثیر شگرف سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع امروز (استوار، ۱۴۰۰: ص ۴۸-۲۹)، هدف سیاست‌گذاری فرهنگی این است که، به صورت آگاهانه و با برنامه‌ریزی صحیح، روش‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی جامعه را بررسی کرده و آثار منفی آن را به حداقل رساند (اسدی و نصراللهی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۲-۸۵). این اقدامات فرهنگی، به منظور دستیابی به اهدافی طراحی می‌شوند. مقصد اهداف نیز در نهایت، گروه‌های انسانی هستند. براین اساس، اگر بخواهیم ببینیم که بروندادهای این اقدامات در لایه‌های حکمرانی چگونه تحقق یافته است؛ می‌بایست به سراغ مقصد نهایی رفت. به عنوان مثال، اگر مفهوم توسعه اجتماعی را یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب بدانیم، می‌بایست در مقصد نهایی (گروه‌های انسانی) بررسی و پیمایش کرد که آیا سیاست‌گذاری نهادهای مرتبط در

مسئله‌های این گروه‌های انسانی در عمل، منجر به دستیابی به شاخص‌های حکمرانی خوب شده است یا خیر؟ و چه میزانی از اهداف تعیین شده در مقصد نهایی قابل رؤیت است.

در این پژوهش، تلاش می‌شود نقش سیاست‌گذاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مسئله آسیب‌های اجتماعی، براساس شاخص تعالی اجتماعی (از ابعاد توسعه اجتماعی و انسانی) در دوره زمانی مرداد ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۴۰۰، مورد واکاوی قرار گیرد. تا بتوان ارتباط میان سیاست‌گذاری‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را با حکمرانی خوب را تبیین نمود. توضیح آنکه، هنگامی که جامعه دچار آسیب شود، با مجموعه‌ای از پدیده‌ها روبه‌رو می‌شویم که می‌توان آنها را در سطح فردی و گروهی اندازه‌گیری کرد. شاخص‌هایی که این سطح تحلیل به ما نشان می‌دهند را می‌توان گواه روشنی بر وضعیت متغیرهای مستقل دخیل در پیامدها در نظر گرفت. بر این اساس، اگر نشانگان مثبتی از دستیابی سیاست‌گذار به اهداف تعیین شده را ببینیم، می‌توانیم قضاوت روشنی از وضعیت حکمرانی خوب در نمونه موردی انتخاب شده ارائه دهیم. به دیگر بیان، می‌توانیم مفهوم کارآمدی در مسئله انتخاب شده قضاوت روشنی داشته باشیم. بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که: «کدام سیاست‌های فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی وجود دارند و اولویت‌بندی آنها چگونه است؟» بررسی پژوهش‌های انجام شده در خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی، توانسته به این پرسش پاسخ دهد که یک سیاست‌گذاری فرهنگی مناسب چگونه می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد و چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی در این حوزه باید مدنظر قرار داده شود. یعنی مهم‌ترین خلأ موجود در پژوهش‌های مرتبط با ساحت سیاست‌گذاری، ارائه یک پژوهش با محوریت چگونگی است و فقدان مؤلفه‌های میانی (تعالی اجتماعی) و مؤلفه‌های پایانی (حکمرانی خوب) موجب شده که خلأهای سیاست‌گذاری، اجرا و بازخوردگیری، همچنان باقی باشد. با توجه به جایگاه مهمی که سیاست‌گذاری فرهنگی در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد، پژوهش حاضر ضمن دربرداشتن مفاهیم اشاره شده در این پژوهش‌ها، مجموعه‌ای نوین و کامل‌تر از انواع سیاست‌های فرهنگی با عاملیت دولت و مردم را در قالب مدل، شناسایی و معرفی کرده است و آنها را اولویت‌بندی می‌کند. همچنین، مقوله‌های متعدد دیگری نظیر حمایت از فعالیت‌های نظری در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، تقویت مرکز فرهنگ و هنر در حوزه مجازی، و الگوبرداری از روش‌های کشورهای موفق در این حوزه را نیز دربردارد.

۲. پیشینه تحقیق

علی‌رغم اهمیت نقش سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، پژوهش‌ها و مطالعات

تاکنون به بررسی محتوایی الگوهای برطرف کردن آسیب‌های اجتماعی و نقش آن در ایجاد ارزش فرهنگی برای کشور پرداخته‌اند. یکی از مشکلات موجود در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی، این است که بررسی آسیب‌های اجتماعی در این زمینه، اولویت‌ها و حساسیت‌های دیگری را نیز در برمی‌گیرد؛ که تاکنون مورد بحث قرار نگرفته‌اند. به عبارت دیگر، تأثیر و تأثر سیاست‌گذاری فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی و نقش‌های دولت در این زمینه، الزاماتی را ایجاد می‌کند که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و جزو نوآوری‌های تحقیق حاضر است.

با وجودی که تحقیقات فراوانی در زمینه آسیب‌های اجتماعی، تمرکز خود را بر روی هنجارها و قوانین اجتماعی (Muggleton & et al., Cislighi & Heise, 2020: p. 407-422)، کنترل انحرافات اجتماعی (Muggleton & et al., 2021: p. 319-326)، جنبه‌های سیاسی آسیب‌های اجتماعی (Schelhase, 2022: p. 23-58)، جنبه‌های اقتصادی آسیب‌های اجتماعی (Bushell, 2023: p. 145-160)، و... قرار داده‌اند؛ پژوهش‌های موجود در این خصوص، تاکنون به بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی پرداخته‌اند و مدل مؤثری در این حوزه وجود ندارد. تحقیقات متعددی به مفاهیم مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی اشاره کرده‌اند (رحمتی زنجان‌طلب و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۱۱۷-۱۴۴؛ نصیری فیروز و عقیلی، ۱۴۰۱: ص ۳۷-۵۳؛ سوزنچی و پورکیانی، ۱۳۹۹: ص ۱۰۰-۷۵)؛ اما تحقیقات بسیار کمی مفاهیم مربوط به حوزه آسیب‌های اجتماعی نظیر طلاق، فساد اخلاقی، فضای مجازی، حاشیه‌نشینی و سکونت‌گاه‌های غیررسمی را در این حوزه مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. تحقیقات پیشین به ساختار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توجهی نکرده‌اند. در مقابل، پژوهش حاضر، تغییر ساختار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با استفاده از تجربیات موفق دیگر کشورها در خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی را معرفی کرده است. با وجودی که تحقیقات فراوانی در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی، تمرکز خود را بر روی میراث فرهنگی، هنرهای زیبا و صنایع دستی، حقوق فرهنگی، ایجاد هویت ملی و... قرار داده‌اند (پورکیانی، سوزنچی و حاجی پورکریمی، ۱۴۰۱: ص ۳۳-۵۶؛ شجاری و صداقتی، ۱۳۹۹: ص ۹۰-۷۵؛ احمدی، امیرمظاهری و صفاری‌نیا، ۱۴۰۱: ص ۴۱-۵۴)؛ اما هیچ‌یک از تحقیقات مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی، تاکنون همزمان به فعالیت‌های نظری، نظیر حمایت از تألیف، ترجمه و اقتباس کتاب در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و فعالیت‌های عملی نظیر تولید محتوای مرتبط با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و انتشار آنها به صورت انبوه در پلتفرم‌ها اشاره نداشته‌اند (Eser & Karasmanoğlu, 2024: p. 192-206). به الگوی سه‌پایه ترویجی، فنی و حقوقی اشاره کرده است؛ که می‌تواند آسیب‌های ناشی از مجریان سیاست‌ها و

زیرساخت‌های معیوب اجرای سیاست را برطرف کند و (Cordero Verdugo, Silva Esquinas & Pérez, 2022: p. 335) Suárez, 2022: p. 335) به استفاده از سرمایه اجتماعی افراد به‌عنوان راه‌حل مناسب و مؤثری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، کاهش جرم، و افزایش غیررسمی کنترل‌های اجتماعی اشاره کرده است؛ که بیشتر به نقش سازمان‌ها در کاهش آسیب‌های اجتماعی نظیر عدم آگاهی اجتماعی، عدم اعتماد اجتماعی و عدم هویت اجتماعی توجه شده و به‌صورت جامع، سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی را بیان نکرده‌اند. تحقیق حاضر، ضمن دربرداشتن تلویحی مفاهیم اشاره شده، مجموعه‌ای نوین و کامل‌تر از انواع سیاست‌های فرهنگی با عاملیت دولت و مردم را در قالب مدل، شناسایی و معرفی کرده است. در تحقیقات غیاثی و همکاران (۱۴۰۲: ص ۵۵-۸۰)، محمدیان منصور و گلخندان (۱۴۰۱: ص ۱۴۰-۱۵۱)، ابروش (۱۴۰۰: ص ۵۶-۸۸)، آیریمی آواجیق (۱۴۰۱: ص ۴۵۶-۴۳۶) نیز به تنوع فکری و شکاف نسلی در جامعه در حوزه آسیب‌های اجتماعی، فردگرایی افراطی در سیاست‌گذاری فرهنگی، پیشران‌های فرهنگی در سیاست‌گذاری و سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ به‌عنوان آسیب اجتماعی اشاره شده، که حاکی از وجود فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در سیاست‌گذاری فرهنگی است. مهم‌ترین نوآوری‌های تحقیق حاضر، ارائه روش‌هایی نوین برای بهبود سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، از جمله تقویت مرکز فرهنگ و هنر در حوزه مجازی، بهبود سواد رسانه‌ای مخاطبان با توسعه فضای نهاد کتابخانه‌ها و تولید محتوای مرتبط با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و انتشار آنها به‌صورت انبوه در پلتفرم‌ها است.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر با روشی آمیخته (کیفی-کمی)، به بررسی مفاهیم ذکر شده می‌پردازد و نتیجه را در قالب یک مدل ارائه خواهد داد. مسیر شناخت در این پژوهش، حرکت از جزء به کل است. یعنی با بررسی وضعیت و مرحله پایانی در ساحت انضمام و واقعیت جامعه، تلاش داریم تا سیاست‌گذاری معطوف به حکمرانی خوب را مورد سنجش قرار دهیم. چون کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌تواند تبدیل به یکی از بخش‌های محوری و اصلی رویکردهای مدیریتی در ایران شود؛ بررسی آن می‌تواند کمک زیادی به درک ما از نقش سیاست‌گذاری فرهنگی در این رویکردها بکند؛ تا بتوانیم ارتباط روشن‌تری از سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی خوب ارائه دهیم. به این دلیل که هدف تحقیق، بررسی سیاست‌های فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی و اولویت‌بندی آنها، توسعه دانش راجع به آن و ارائه مدل در این حوزه است؛ پارادایم مورد استفاده در این تحقیق، از نوع تفسیرگرایی می‌باشد. این تحقیق، از نوع پژوهش کاربردی است؛ چرا که به قصد

کاربرد عملی دانش و کاربرد نتایج یافته‌ها برای پاسخگویی به سؤالات مطرح شده در پژوهش انجام می‌شود. در این پژوهش، با استفاده از معلومات جزئی و برقراری ارتباط بین آنها، حکم کلی استنتاج می‌شود و مشاهده‌ها بر رویدادهای مشخصی در نمونه‌های ذکر شده صورت می‌گیرد و سپس، براساس مشاهده حوادث یا رویدادها، استنباط کلی انجام می‌شود. رویکرد پژوهش از نوع استقرایی می‌باشد؛ یعنی رسیدن از جزء به کل. راهبرد این پژوهش، از نوع آمیخته (کیفی-کمی) است. زمان انجام این پژوهش، در اواخر کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دوازدهم و شهرستان‌های بهارستان، بشاگرد و میامی در استان‌های (به ترتیب) تهران، هرمزگان و سمنان انجام شده، پدیده‌ها را در بستر زندگی واقعی‌شان بررسی کرده و آنها را مورد دستکاری قرار نداده و چیزهایی را مورد مطالعه قرار داده که به صورت واقعی و طبیعی رخ داده است. این پژوهش، از نوع میدانی است.

پژوهش حاضر درصدد ایجاد یک نظریه جدید و رشد دانش درخصوص مدل‌سازی سیاست‌های فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی است. هدف پژوهش، اکتشاف می‌باشد. گردآوری داده‌های کیفی، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، با استفاده از روش نظریه برخاسته از داده‌ها انجام شده است. براساس اطلاعات قبلی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (به‌عنوان جامعه آماری بخش کیفی) وجود دارد و همچنین با توجه به اهداف تحقیق، روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب موارد بارز جهت انتخاب نمونه‌های آماری در بخش کیفی استفاده گردید؛ چراکه، نیاز بود افراد نمونه خیره باشند. بر این اساس، تعداد نمونه آماری ۱۷ نفر از افراد صاحب‌منصب در حوزه فرهنگ و هنر هستند؛ چراکه، دارای ویژگی‌ها و اطلاعات مورد نظر درخصوص سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی می‌باشند و براساس نظر پژوهشگر، در زمینه مورد مطالعه انتخاب شدند. گردآوری داده‌های کمی در این تحقیق، از طریق توزیع پرسشنامه انجام شد. تحلیل داده‌ها در بخش کمی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ صورت گرفت. شهرستان‌های بشاگرد، بهارستان، و میامی به‌عنوان جامعه آماری، در بخش کمی انتخاب شدند و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده جهت انتخاب نمونه‌های آماری در بخش کمی مورد استفاده قرار گرفت. براساس اطلاعات قبلی که از این شهرستان‌ها وجود دارد و همچنین با توجه به اهداف تحقیق، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده جهت انتخاب نمونه‌های آماری استفاده گردید و در نهایت، این اطلاعات از طریق «تعمیم»^۲، به جامعه اصلی نسبت داده شد. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول

1. AHP

2. Generalization

نمونه‌گیری جامعه محدود که به صورت رابطه (۱) محاسبه می‌شود، به دست آمد (آذر و مومنی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۱-۱۰۹).

$$n = \frac{NZ_{\alpha/2}^2 pq}{\varepsilon^2(N-1) + Z_{\alpha/2}^2 pq} \quad \text{رابطه (۱)}$$

نمادهای به کار رفته در این رابطه (فرمول) عبارتند از:

N: حجم جامعه که در این تحقیق در سال ۱۴۰۱، جمعیت شهرستان‌های بشاگرد حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر، بهارستان حدود ۵۵۰۰۰۰ نفر، و میامی حدود ۳۹۰۰۰۰ نفر بود.

n: حجم نمونه؛

Z $\alpha/2$: میزان برآورد با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۵٪. این مقدار برابر با ۱/۹۶ می‌باشد.

e: (دقت برآورد) تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه است؛ که در تحقیق حاضر با توجه به تحقیقات پیشین، ۰/۰۴ در نظر گرفته شد.

q: نسبت عدم موفقیت در بین افراد نمونه است که عدد ۵۰٪ در نظر گرفته شده است. $q=1-p$.

p: نسبت موفقیت براساس برآورد حداکثر احتیاطی، ۵۰٪ در نظر گرفته می‌شود.

حجم نمونه مورد بررسی برای شهرستان بشاگرد، حداقل ۳۸۰ نفر به دست آمد که پرسشنامه‌ها میان ۴۰۰ نفر توزیع شد.

$$n = \frac{35000 * (1.96)^2 * 0.5 * 0.5}{0.04^2 * (34999) + (1.96)^2 * 0.50 * 0.50} = 380$$

حجم نمونه مورد بررسی برای شهرستان بهارستان، حداقل ۳۸۳ نفر به دست آمد که پرسشنامه‌ها میان ۴۰۰ نفر توزیع شد.

$$n = \frac{550000 * (1.96)^2 * 0.5 * 0.5}{0.04^2 * (549999) + (1.96)^2 * 0.50 * 0.50} = 383$$

حجم نمونه مورد بررسی برای شهرستان میامی، حداقل ۳۸۰ نفر به دست آمد که پرسشنامه‌ها میان ۴۰۰ نفر توزیع شد.

$$n = \frac{39000 * (1.96)^2 * 0.5 * 0.5}{0.04^2 * (38999) + (1.96)^2 * 0.50 * 0.50} = 380$$

چهار آزمون اصلی برای بررسی کیفیت طرح تحقیق شامل قابل تأیید بودن، قابل قبول یا باور بودن، قابل انتقال بودن و قابل اعتماد بودن، مورد بررسی قرار گرفتند (Ronkainen & Wiltshire, 2021: p. 13-28). در انتها، به‌منظور بررسی و ارزیابی مدل از دو نفر از خبرگان سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی و دو نفر از خبرگان دانشگاه (اساتید راهنما و مشاور)، خواسته شد تا مدل موجود را مورد ارزیابی

قرار دهند که تمامی خبرگان، مدل را تأیید کردند. در این پژوهش در بخش کیفی، همانند آنچه که در نظریه برخاسته از داده، مرسوم است؛ جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها همزمان انجام شد و داده‌ها، به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش (استراس و کوربین، ۱۳۹۳) تحلیل شدند. کدگذاری داده‌ها، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل همزمان اطلاعات برای هدایت جمع‌آوری سایر داده‌ها در جهت توسعه نظریه به‌وجود آمده، راهنمای عمل محقق بوده است و نظریه، به‌وسیله مقایسه مداوم واقعه‌به‌واقعه شکل گرفت. در این تحقیق، پس از مصاحبه‌های اول، طبقات اولیه شکل گرفت و مصاحبه‌های بعدی، در جهت تکمیل و تشریح خصوصیات این طبقات انجام شد. اشباع نظری زمانی رخ می‌دهد که دیگر، داده‌ای که به تعریف خصوصیات یک طبقه کمک می‌کند، به پژوهش وارد نشود؛ البته به عقیده روش استراس و کوربین (۱۳۹۳)، این منطقی نیز یک فرآیند بی‌پایان است و تغییر نگرش افراد در هر مرحله‌ای، حتی در زمان مرور مقاله برای چاپ نیز ممکن است رخ دهد و رسیدن به اشباع، تنها یک وقفه موقت در کار است. بنابراین، تشخیص تکرار و عدم نیاز به ادامه مصاحبه در هر مقوله، ذهنی است و به مهارت محقق بازمی‌گردد.

۴. بحث و یافته‌های تحقیق

۴-۱. فرآیند تحلیل

در فرآیند تحلیل این تحقیق، ابتدا دید مشروحی از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه ارائه گردید. بدین صورت که ابتدا توصیف کوتاهی از وضعیت، رویدادها، بازیگران و بستر مورد مطالعه ارائه شد. سپس با تحلیل دقیق، نام‌گذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، کدگذاری باز انجام گردید. در کدگذاری باز، به‌منظور طبقه‌بندی دقیق مفاهیم در مقوله‌ها، هر مفهوم، بعد از تفکیک، برچسب خورد و داده‌های خام به وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای، مفهوم‌سازی شدند. نمونه‌ای از کدهای اولیه و نهایی در مورد شرایط علی حاصل از کدگذاری باز، در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- نمونه‌ای از کدهای اولیه و نهایی در مورد شرایط علی حاصل از کدگذاری باز

(ستاری، قربانی شیخ‌نشین، سیمبر، ۱۴۰۲ الف: ص ۲۵۰-۲۲۹)

| ردیف | کدهای اولیه | کدهای اولیه | کدهای نهایی |
|------|--|-------------------------|----------------------------|
| ۱ | فقدان شناخت منظومه فکری امام و رهبری در بین مسئولین و متولیان فرهنگی | تعدد تکالیف وزارت ارشاد | تنوع زیاد آسیب‌های اجتماعی |

| ردیف | کدهای اولیه | کدهای اولیه | کدهای نهایی |
|------|--|--|--|
| ۲ | گسستگی بین نهادها، متخصصان و دانشگاه‌هایی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعالیت دارند | نسخه پیچیدن برای حل آسیب‌های اجتماعی مناطق از مرکز، بدون توجه به مسائل قومیتی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در مناطق | مشکل ساختاری معاونت‌ها و ادارات کل در وزارت ارشاد |
| ۳ | سینما، کتاب و موسیقی در خدمت ترویج فضائل نبوده‌اند | عدم اثربخشی دستگاه‌ها و سازمان‌ها در روستاها | سخت بودن تبدیل شیوه‌نامه کاهش آسیب‌های اجتماعی به قانون در رسانه‌ها |
| ۴ | نظارت و ارزیابی درستی در فضای فرهنگی وجود ندارد | کم‌توجهی به مسئله عدالت فرهنگی و اجتماعی توسط مدیران | نیاز برای به‌روز شدن قوانین و مقررات مربوط به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی |
| ۵ | نظارت و ارزیابی درستی در فضای فرهنگی وجود ندارد | بی‌توجهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به توانمند شدن افراد | نیاز به توسعه روش‌های نوین در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی |

سپس، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های داده‌ها براساس کدگذاری محوری و با توجه به ابعاد آنها به یکدیگر مرتبط شدند؛ تا مقوله‌های اصلی شناسایی شوند. در طی فرآیند کدگذاری محوری، محقق، از ابزارهای تحلیلی پرسیدن سؤال و مقایسه دائمی و نظری بین مفهوم‌ها، مقوله‌ها و مشخصه‌های آنها، که در کدگذاری باز ظاهر شده‌اند، استفاده نمود؛ تا روابط بین مفهوم‌ها و مقوله‌ها را توسعه دهد و مقوله‌ها را متناسب با مدل پارادایم شکل دهد. همزمان با انجام کدگذاری باز و محوری، الگویی ساخته شد که حاکی از ارتباط بین مفهوم‌ها و مقوله‌ها است. زمانی که این ارتباطات توسعه داده شدند، از رویه کدگذاری انتخابی استفاده گردید؛ تا ادغام مفهوم‌ها و مقوله‌ها که در کدگذاری باز و محوری شناسایی شده‌اند، در قالب یک نظریه نوظهور تسهیل شود. در پایان، مدل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مدل نظری مفهومی ارائه شد.

۵. جمع‌بندی مفاهیم و مقوله‌بندی

همانطور که اشاره گردید، داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، اسناد و مدارک، براساس شیوه کدگذاری باز به کدهای باز، مفاهیم و مقوله‌ها تبدیل شدند. سپس براساس مقوله‌های به‌دست آمده، تفسیری درون‌موردی برای هر یک ارائه شد. نمونه‌ای از مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست آمده از داده‌های کیفی در جدول (۲) نمایش داده شده است.

جدول ۲- نمونه مفاهیم و مقوله‌های اصلی به‌دست آمده از داده‌های کیفی
(ستاری، قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۴۰۲ الف: ص ۲۵۰-۲۲۹)

| مفهوم | مقوله اصلی | |
|---|---|----------------|
| تعریف متفاوت از فرهنگ در میان نخبگان و خبرگان | مشخص نبودن اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | شرایط علی |
| سخت بودن تبدیل شیوه‌نامه کاهش آسیب‌های اجتماعی به قانون | | |
| اجرائی نشدن مطالبات رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ و بحث عدالت و افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی | | |
| عدم توانایی سیاست‌های مصوب فرهنگی در صحنه عمل | | |
| برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های غلط در حوزه فرهنگ | | |
| عقلانی، انقلابی و خرمندانه حرکت نکردن | ارزش‌های انقلابی | شرایط زمینه‌ای |
| بخش فرهنگ در فضای مجازی، متولی ندارد | | |
| تهاجم فرهنگی | | |
| پیچیدگی‌های امور در تشکیلات اداری | | |
| نگاه سنت‌گرایان در بخش فرهنگ آسیب‌زا شده است | | |
| عدم تخصص مسئولین امر و مدیران کارناבלد | موازی کاری بخش‌ها | شرایط مدخلی |
| برخی قسمت‌های وزارتخانه کارآمد نیستند و دچار کژکارکردی شده‌اند | | |
| عدم انطباق برنامه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی | | |
| وجود نگاه درآمدمدی در حوزه فرهنگ | | |
| نگاه ضعیف مدیران و بدنه به سیاست‌گذاری‌ها | | |
| عدم وجود بدنه نظارتی قوی در حوزه فرهنگ | تضادهای قومی و مذهبی | شرایط مدخلی |
| رفتارهای غلط مدیران باعث عدم تقید به اصول دین در کشور شده است | | |
| عدم وجود آموزش و فرهنگ‌سازی غیرمستقیم | | |
| بی‌کاری | | |
| قلیان | | |
| استفاده از مشروبات الکلی | اعتیاد | بنده اصلی |
| چندهمسری | | |
| بدسرپرستی و نبودن سرپرست خانواده | | |
| ازدواج‌های سفید | | |
| | | |
| | طلاق | بنده اصلی |
| | | |
| | | |
| | | |
| | | |

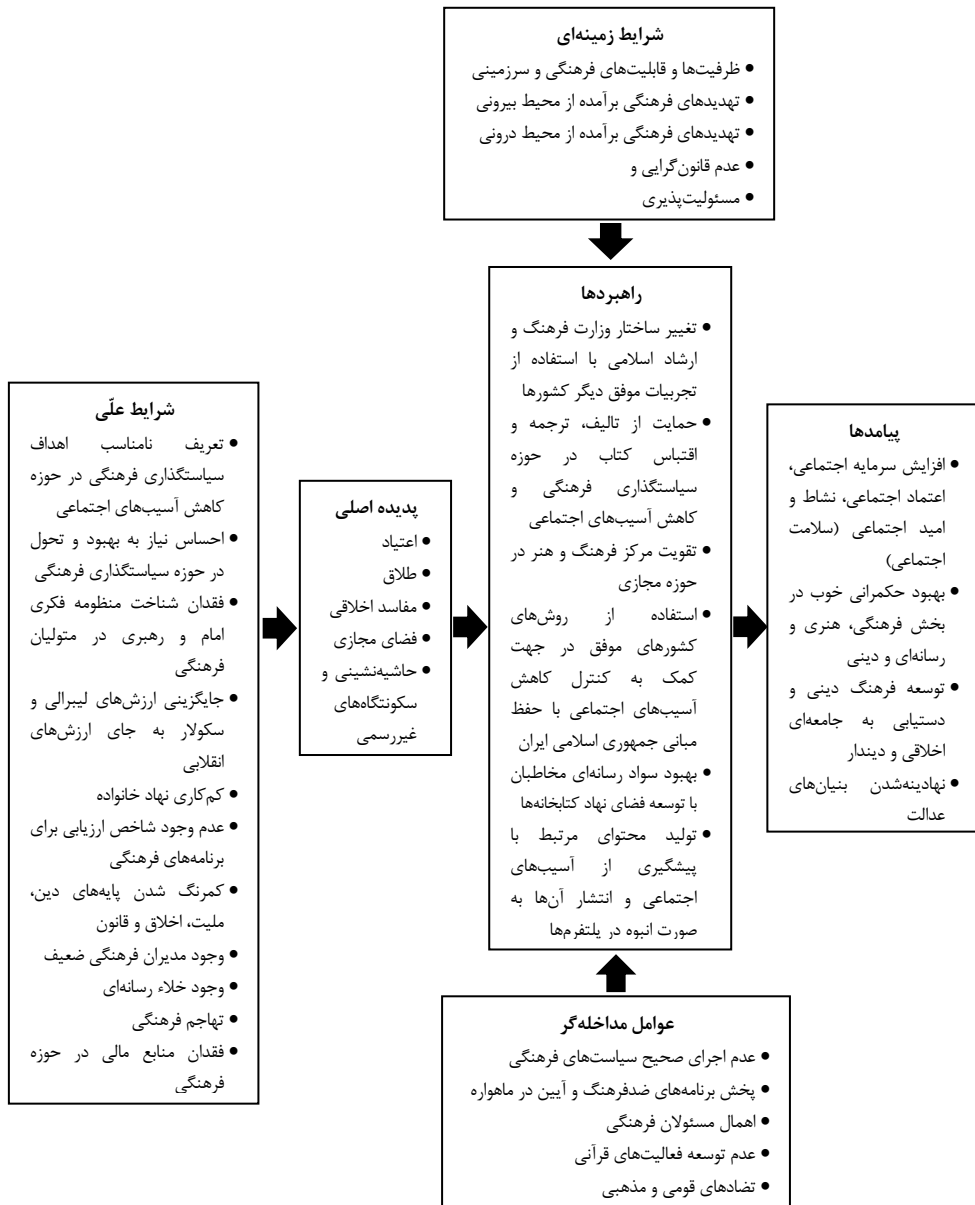
| مفهوم | مقوله اصلی | |
|---|--|----------|
| پایین آمدن سن فحشاء و آسیب‌های اجتماعی | مفاسد اخلاقی | |
| روابط ناسالم | | |
| فرهنگ ابتذال | | |
| کارگزاران فرهنگی باید توجه جدی به مطالبات رهبری داشته باشند افزایش بودجه برای تبیین و ترویج اندیشه‌ها | تبیین و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، اندیشه‌های امام و رهبری | راهبردها |
| رصد چرخه معروف (PDCA)، یعنی برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و اصلاح در فعالیت‌ها | تغییر ساختار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با استفاده از تجربیات موفق دیگر کشورها | |
| استفاده از تجربیات به نتیجه رسیده دیگر کشورها در حوزه روش و اجرا | | |
| انجام سیاست‌گذاری پرمبنای ارزش‌ها | حمایت از تألیف، ترجمه و اقتباس کتاب در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی | |
| توجه به حوزه پژوهش و تحقیق درخصوص فرهنگ و آسیب‌های اجتماعی | | |
| تقویت پلتفرم‌های انتشار محتوای داخلی | | |
| هم‌افزایی بین دستگاه‌ها درخصوص مکان برای مسئله فرهنگ و آسیب‌های اجتماعی | تقویت مرکز فرهنگ و هنر در حوزه مجازی | |
| انجام ساختاریافته و نظام‌مند امور مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نشاط و امید اجتماعی (سلامت اجتماعی) | |
| افزایش رضایت مخاطبان از خدمات سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | | |
| افزایش انسجام در انجام امور مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | بهبود حکمرانی خوب در بخش فرهنگی، هنری و رسانه‌ای | |
| افزایش یکپارچگی اطلاعاتی و فرآیندی در انجام امور مربوط به فرآیندهای مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | | |
| توسعه باورهای دینی | توسعه فرهنگ دینی و دستیابی به جامعه‌ای | |
| کاهش مفاسد اخلاقی | اخلاقی و دیندار | |
| کیفیت متمایز خدمات سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | نهادینه شدن بنیان‌های عدالت | |
| کاهش زمان انجام فعالیت‌های ستادی مرتبط با فرآیندهای سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی | | |
| | | |

براساس دسته‌بندی‌های صورت گرفته در این تحقیق مطابق با جدول (۲)، ۲۹۵ کد مستخرج نهایی در قالب ۷۷ مفهوم و ۷۱ مقوله اصلی دسته‌بندی شده که در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳- تعداد مقوله‌های اصلی، مفهوم‌ها و کدهای نهایی استخراج شده از مصاحبه‌ها
(ستاری، قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۴۰۲ الف: ص ۲۵۰-۲۲۹)

| ردیف | عنوان | مقوله اصلی | مفهوم | کدهای نهایی |
|------|-----------------|------------|-------|-------------|
| ۱ | شرایط علی | ۱۳ | ۱۹ | ۸۴ |
| ۲ | شرایط زمینه‌ای | ۱۸ | ۱۸ | ۵۰ |
| ۳ | شرایط مداخله‌گر | ۸ | ۸ | ۲۲ |
| ۴ | پدیده اصلی | ۵ | ۵ | ۴۰ |
| ۵ | راهبردها | ۲۰ | ۲۰ | ۷۲ |
| ۶ | پیامدها | ۷ | ۷ | ۲۷ |
| ۷ | مجموع | ۷۱ | ۷۷ | ۲۹۵ |

رویه تحلیل داده‌ها منجر به خلق مدل نظری شد و شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها هستند؛ که پدیده اصلی، یعنی «سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی» را تشریح می‌کنند. این مدل، مطابق با ابعاد مدل پارادایمی در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱- مدل نظری «سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی»

(ستاری، قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۴۰۲ الف: ص ۲۵۰-۲۲۹)

در بخش کمی، اولین گام در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، ترسیم درخت تصمیم می‌باشد؛ که از سه سطح تشکیل شده است: سلسله‌مراتب تصمیم، درختی است که با توجه به مسئله تحت بررسی، دارای سطوح^۱ متعدد است. سطح اول هر درخت، بیان‌کننده هدف^۲؛ سطوح میانی آن، مختص فاکتورهای مؤثر در تصمیم و سطح آخر هر درخت نیز، بیان‌کننده گزینه‌هایی است که مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در سطح سوم، با توجه به پژوهش کیفی انجام‌شده، راهبردهای سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی شناسایی شدند.

در نهایت، با توزیع پرسشنامه‌ای در بین ۱۰ نفر از خبرگان، مهم‌ترین راهبردهای بهینه سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی (۲۰ راهبرد)، در سه دسته شامل راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی^۳، راهبردهای مبتنی بر فرهنگ‌سازی^۴، و راهبردهای مبتنی بر پاسخ به نیاز مخاطب^۵ انتخاب شدند. سپس با توجه به ترسیم درخت تصمیم و شناسایی معیارها و گزینه‌های رقیب و با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، گزینه‌ها ارزیابی شدند. گزینه‌های رقیب در سطح سه، به واسطه هر یک از معیارها در سطح دو، مورد مقایسه دوجه‌دو قرار گرفتند. مقایسه دوجه‌دو با استفاده از مقیاسی که از ترجیح یکسان تا بی‌اندازه مرجح و با انتخاب اعداد یک‌نهم تا نه طراحی شده است، انجام گرفتند. هنگام مقایسه دوجه‌دو در آغاز، معادل اهمیت دوجه‌دو به طریق اولویتی مشخص و سپس مقدار عددی متناظر با آن، در جدول (۴) مقایسه آورده شد. مقایسه زوجی با استفاده از نظر خبرگان انجام گرفت و برای بررسی ترکیب جدول‌های مقایسه‌ای تکمیل‌شده توسط خبرگان، از میانگین هندسی استفاده شد. این روش، به محقق کمک کرده است که علاوه بر در نظر گرفتن قضاوت هر عضو، به قضاوت گروه درباره هر مقایسه زوجی نیز برسد. به‌عنوان مثال، درخصوص راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی، جدول (۴)، ماتریس نرمالیزه شده داده‌های زوجی این راهبردها را نشان می‌دهد که روش محاسبه آنها بدین صورت است که: هر یک از داده‌های ستون‌های مقایسات زوجی را بر جمع هر یک از ستون‌ها تقسیم نموده و سپس با محاسبه میانگین سطرها، اولویت‌های مربوط به راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی به شرح جدول (۴) بدست آمد.

1. Levels
2. Goal
3. Social Harms (SH)
4. Culturalization (CL)
5. Audience Needs (AN)

جدول ۴- ماتریس نرمال شده و مقادیر اولویت نسبت به راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی (ستاری، قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۴۰۲ ب: ص ۲۲۰-۲۰۱)

| اولویت‌ها | جمع | استفاده از موسیقی نواحی، تئاتر، سینما، و هنر | ایجاد یک قوه جدید به نام «قوه فرهنگی» | استفاده از ظرفیت مساجد، بقعه‌ها و روحانیت | تولید محتوا در پلتفرم‌های اجتماعی | استفاده از روش‌های کشورهای موفق جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی | حمایت از تألیف، ترجمه و اقتباس کتاب | راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی |
|-----------|------|--|---------------------------------------|---|-----------------------------------|---|-------------------------------------|---|
| ۰/۲۸ | ۱/۷۱ | ۰/۱۳ | ۰/۱۵ | ۰/۲۶ | ۰/۴۹ | ۰/۴۲ | ۰/۲۶ | حمایت از تألیف، ترجمه و اقتباس کتاب |
| ۰/۱۰ | ۰/۶۱ | ۰/۰۸ | ۰/۱۲ | ۰/۱۰ | ۰/۱۶ | ۰/۱۰ | ۰/۰۶ | استفاده از روش‌های کشورهای موفق جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی |
| ۰/۲۴ | ۱/۴۴ | ۰/۳۶ | ۰/۴۰ | ۰/۳۹ | ۰/۱۸ | ۰/۱۱ | ۰/۰۹ | تولید محتوا در پلتفرم‌های اجتماعی |
| ۰/۰۹ | ۰/۵۵ | ۰/۱۱ | ۰/۰۹ | ۰/۰۹ | ۰/۰۶ | ۰/۰۹ | ۰/۱۰ | استفاده از ظرفیت مساجد، بقعه‌ها و روحانیت |
| ۰/۱۶ | ۰/۹۴ | ۰/۲۰ | ۰/۱۵ | ۰/۱۵ | ۰/۰۶ | ۰/۱۲ | ۰/۲۶ | ایجاد یک قوه جدید به نام «قوه فرهنگی» |
| ۰/۱۳ | ۰/۷۵ | ۰/۱۲ | ۰/۰۹ | ۰/۱۰ | ۰/۰۶ | ۰/۱۶ | ۰/۲۳ | استفاده از موسیقی نواحی، تئاتر، سینما، و هنر |
| ۱/۰۰ | ۶/۰۰ | ۱/۰۰ | ۱/۰۰ | ۱/۰۰ | ۱/۰۰ | ۱/۰۰ | ۱/۰۰ | جمع |

سپس به منظور اولویت‌بندی و میزان تأثیر هر یک از معیارها، این عوامل با یکدیگر دوی‌دو مقایسه شدند که این مقایسه در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵- ماتریس مقایسه معیارهای ارزیابی نسبت به یکدیگر (ستاری، قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۴۰۲ ب: ص ۲۲۰-۲۰۱)

| راهبردهای مبتنی بر پاسخ به نیاز مخاطب ^۱ | راهبردهای مبتنی بر فرهنگ‌سازی ^۲ | راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی ^۳ | راهبردهای مبتنی بر سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی |
|--|--|---|---|
| ۰/۴۹ | ۱/۱۲ | ۱ | راهبردهای مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی |
| ۰/۴۹ | ۱ | ۰/۲۲ | راهبردهای مبتنی بر فرهنگ‌سازی |
| ۱ | ۰/۵۱ | ۰/۵۱ | راهبردهای مبتنی بر پاسخ به نیاز مخاطب |
| ۳/۲۳ | ۴/۶۴ | ۳/۰۱ | جمع |

1. AN
2. CL
3. SH

مدل اولویت‌های سیاست‌های فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی در شکل (۲) نمایش داده

شده است.



شکل ۲- مدل اولویت‌های سیاست‌های فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی

(ستاری، قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۴۰۲: ص ۲۲۰-۲۰۱)

مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان، مبنی بر اینکه اشکالات امروز در جامعه به ساختار برمی‌گردد یا کارگزاران؟ ایشان با این مقدمه که ساختارها در طول زمان، تکمیل و نواقص‌شان برطرف می‌شود و مشکل از کارگزاران است؛ و این کوتاهی، سلايق گوناگون، کمبودها و اشتباه در حرکت، باعث به‌وجود آمدن شکاف‌های بزرگی در متن جامعه خواهد شد. در راهبردهای مبتنی بر نیاز مخاطب و جمع سه شهرستان، اولویت بر عدم به‌کارگیری مدیران ناکارآمد اعلام می‌شود. گفتمان انقلاب و اندیشه‌های امام و رهبری هم حکایت از اجرای عدالت، رفع مزاحمت‌ها در عرصه فرهنگ، فعال شدن حلقه‌های میانی و به‌نوعی همه‌عنوان رديف‌های راهبردهای مبتنی بر پاسخ به نیاز مخاطب است. اما آنچه این شکاف را به‌وجود آورده، کارگزارانی هستند که رهبری نظام جمهوری اسلامی و ملت درباره آن سخن گفته و مطالباتی داشته‌اند.

در بیانیه گام دوم انقلاب، رهبری از نسل جوان مؤمن و دانا و پرانگیزه که با قدرت بیشتر از نظریه نظام انقلابی دفاع کند، سخن می‌گوید و به این نکته اشاره می‌کنند که اگر دل‌زدگی توسط مردم پیش‌آمده، از روی‌گردانی مسئولان از ارزش‌های دینی بوده؛ نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها. از جوانان خواسته شده که در آغاز فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی، از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی آغاز کنند. به اوج رساندن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها، جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، عدالت و مبارزه با فساد، سبک زندگی غربی و زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت و مقابله همه‌جانبه و هوشمندانه، همگی در بیانیه «گام دوم انقلاب» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) خطاب به ملت ایران آمده است.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

مطالعات بین‌رشته‌ای با دشواری‌های خاص خود مواجه است. نخستین دستاورد پژوهش حاضر این است که، میان سامانه کلانی که سیاست‌گذاری فرهنگی را در فضای حکمرانی طراحی می‌کند، با فضای انضمام و محیط اجتماعی که آسیب‌های اجتماعی در آن شکل می‌گیرد؛ گسست جدی وجود دارد. پژوهش حاضر، تلاش دارد تا این گسست و فاصله جدی را نشان دهد. در این پژوهش، سعی شده است وضعیت حکمرانی مطلوب و رسیدن به مدلی برای سیاست‌گذاری فرهنگی، نه صرفاً از میان منابع نظری و دانشی، بلکه در فرآیند قوام‌بخشی متقابل میان حوزه عمل و نظر بررسی شود. براین اساس، حوزه عمل را براساس یک فکت اجتماعی (آسیب‌های اجتماعی) در یک محیط واقعی، یعنی مخاطبی که سیاست‌گذاری فرهنگی متوجه آن است و در کوچه‌پس‌کوچه‌های مناطق محروم زیست می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. اساساً مهم‌ترین نقطه قوت پژوهش حاضر، همین بخش است که محققین توانسته‌اند به شیوه شواهدمحور، یک مقوله سیاسی اجتماعی را بررسی کرده در نهایت، براساس یک شناسایی واقعی و نه انتزاعی در ساحت نظر به طراحی یک مدل برای سیاست‌گذاری اقدام نمایند. ایده کانونی پژوهش حاضر، بررسی ارتباط دو متغیر سیاست‌گذاری و حکمرانی مطلوب است. در این پژوهش، غایت نهایی سیاست‌گذاری فرهنگی، دستیابی به شاخص «تعالی اجتماعی» در نظر گرفته شده است؛ که می‌توان آن را شاخصی مهم در حکمرانی اسلامی و ابداع و نوآوری اصلی پژوهش در نظر گرفت. تلاش پژوهش حاضر، بررسی ارتباط میان دو متغیر سیاست‌گذاری و تعالی

اجتماعی به‌عنوان دو متغیر بسیار کلیدی در رسیدن به سطح مطلوبی از حکمرانی بود. این امر، از طریق طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی به اجرا درآمده است. سؤال اساسی پژوهش این بود که: ابعاد مدل سیاست‌گذاری فرهنگی چه مواردی هستند و چگونه بر کاهش آسیب‌های اجتماعی در مورد مطالعاتی تأثیر خواهند گذاشت؟ نتایج نشان داد که ابعاد مدل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی را می‌توان در ۳۵ مقوله اصلی، مانند تعریف نامناسب اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی، احساس نیاز به بهبود و تحول در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، فقدان شناخت منظومه فکری امام و رهبری در متولیان فرهنگی، جایگزینی ارزش‌های لیبرالی و سکولار به جای ارزش‌های انقلابی، کم‌کاری نهاد خانواده، عدم وجود شاخص ارزیابی برای برنامه‌های فرهنگی، کم‌رنگ شدن پایه‌های دین، ملیت، اخلاق و قانون، وجود مدیران فرهنگی ضعیف، وجود خلأ رسانه‌ای، تهاجم فرهنگی، فقدان منابع مالی در حوزه فرهنگ، اعتیاد، طلاق، مفاسد اخلاقی، فضای مجازی، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی و سرزمینی، تهدیدهای فرهنگی برآمده از محیط بیرونی، تهدیدهای فرهنگی برآمده از محیط درونی، عدم قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری، عدم اجرای صحیح سیاست‌های فرهنگی، پخش برنامه‌های ضد فرهنگ و آیین در ماهواره، اهمال مسئولان فرهنگی، عدم توسعه فعالیت‌های قرآنی، تضادهای قومی و مذهبی، نیاز به تغییر ساختار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با استفاده از تجربیات موفق دیگر کشورها، حمایت از تألیف، ترجمه و اقتباس کتاب در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، تقویت مرکز فرهنگ و هنر در حوزه مجازی، استفاده از روش‌های کشورهای موفق در جهت کمک به کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با حفظ مبانی جمهوری اسلامی ایران، بهبود سواد رسانه‌ای مخاطبان با توسعه فضای نهاد کتابخانه‌ها، تولید محتوای مرتبط با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و انتشار آنها به‌صورت انبوه در پلتفرم‌ها، افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نشاط و امید اجتماعی (سلامت اجتماعی)، بهبود حکمرانی خوب در بخش فرهنگی، هنری و رسانه‌ای، توسعه فرهنگ دینی و دستیابی به جامعه‌ای اخلاقی و دیندار و نهادینه شدن بنیان‌های عدالت، طبقه‌بندی کرد. در تحقیق حاضر، مقوله‌های بسیاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ که این مقوله‌ها تاکنون در هیچ‌یک از مدل‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی بیان نشده است.

با توجه به مطالب بیان شده و نتایج این پژوهش، پیشنهادها و راهکارهای مبتنی بر الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی به فعالان این حوزه ارائه می‌شود:

(۱) پیشنهاد می‌شود از ظرفیت مساجد، بقعه‌ها و روحانیت در کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده شود.

به‌عنوان مثال، دولت و وزارتخانه‌های متبوع می‌توانند با کمک برخی نهادها، از جمله بهزیستی، مراکز مشاوره برای ازدواج و طلاق را در مساجد مستقر کنند تا مردم بتوانند به کمک دولت در مساجد و البته حضور روحانیون و استفاده از ظرفیت حوزه‌های علمیه، مشکلاتشان را حل کنند.

۲) پیشنهاد می‌شود خدمات آسیب‌شناسی تخصصی (آسیب‌شناسی سلامت، آسیب‌شناسی مذهبی، آسیب‌شناسی فرهنگی، آسیب‌شناسی هنر، و...) در قالب آسیب‌شناسی هوشمند به متقاضیان ارائه شود.

۳) پیشنهاد می‌شود از هوش مصنوعی جهت اطلاع از آسیب‌های اجتماعی مناطق استفاده شود. به‌عنوان مثال، با استفاده از تکنیک هوش مصنوعی می‌توان تاریخچه جستجوی اینترنتی افراد را گردآوری کرد، و در معرض بودن آنها به آسیب‌های اجتماعی را دریافت.

۴) پیشنهاد می‌شود یارانه‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی به مؤسسه‌های فرهنگی فعال در کنترل آسیب‌های اجتماعی ارائه شود؛ تا آنها بتوانند هرچه سریع‌تر به راه‌اندازی سیستم‌های مبتنی بر کنترل آسیب‌های اجتماعی بپردازند.

۵) پیشنهاد می‌شود در خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی در رسانه‌های ارتباط جمعی فرهنگ‌سازی شود، مزایای سیاست‌گذاری فرهنگی بازگو شود و اگر خدماتی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که مبتنی بر نیازهای افراد نیست، مهندسی مجدد بر مبنای نیازهای افراد در این خدمات صورت گیرد.

۶) پیشنهاد می‌شود پرسنل فعال در بخش سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی رشد داده شوند؛ رشد درونی (انگیزش) و رشد بیرونی (ارتباط). در این قالب، می‌توان برنامه‌های انگیزشی برای پرسنل فعال در بخش سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی، در خصوص یادگیری نحوه کنترل آسیب‌های اجتماعی در نظر گرفت. آنها را آموزش مستمر داد، ابزارها و زیرساخت‌های مناسب کنترل آسیب‌های اجتماعی ایجاد کرد، اطلاعات میان پرسنل فعال در بخش کنترل آسیب‌های اجتماعی را یکپارچه نمود و ارتباط دوسویه میان افراد در معرض آسیب‌ها و پرسنل فعال در این حوزه را حفظ کرد.

۷) پیشنهاد می‌شود ابزارها و زیرساخت‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی به صورت مستمر به‌روزرسانی شوند. در این راستا، می‌توان از ابزارها و فناوری‌های نوین سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی نظیر واقعیت مجازی و واقعیت افزوده استفاده کرد.

منابع

- آذر، عادل؛ مومنی، منصور (۱۳۹۸). *آمار و کاربرد آن در مدیریت*. تهران: انتشارات سمت.
- آیریمی آواجیق، اراده (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی اجتماعی و مشارکت شهروندان ضرورت ساماندهی بحران محلات غیررسمی (مورد مطالعه: ارومیه). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۴(۴): ص ۴۵۶-۴۳۶.
- ابروش، رضا (۱۴۰۰). پیشران‌های فرهنگی مساجد در مدیریت آسیب‌های اجتماعی. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۸(۴): ص ۵۶-۸۸.
- احمدی، سپیده؛ امیرمظاهری، امیرمسعود؛ صفاری‌نیا، مجید (۱۴۰۱). بازسازی معنایی فرهنگ فقر زنان سرپرست خانواده. *رهپویه ارتباطات و فرهنگ*، ۲(۳): ص ۴۱-۵۴.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۳). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی (رویه‌ها و شیوه‌ها)*. ترجمه بیوک محمدی. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استوار، مجید (۱۴۰۰). نقش‌نخبان فکری در سیاست‌گذاری فرهنگی پهلوی اول. *مطالعات میان‌فرهنگی*، ۱۶(۴۶): ص ۴۸-۲۹.
- اسدی، محمدصابر؛ نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۸). صورت‌بندی مسائل رابطه حکومت و فرهنگ در سیاست‌گذاری. *دین و سیاست فرهنگی*، ۶(۱): ص ۸۵-۱۱۲.
- پورکیانی، محمد؛ سوزنجی، حسین؛ حاجی پورکریمی، محمدصادق (۱۴۰۱). واکاوی مفهوم "انسان" در رویکردهای سیاست‌گذاری فرهنگی. *مطالعات میان‌رشته‌ای تمدن انقلاب اسلامی*، ۱(۴): ص ۵۶-۳۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). *بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- رحمتی زنجان‌طلب، فرشاد؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ رضایی، علی اکبر؛ زمانی مقدم، افسانه (۱۴۰۱). طراحی مدل فرایندی سیاست‌گذاری فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی ایران. *مدیریت فرهنگی*، ۱۶(۵۷): ص ۱۴۴-۱۱۷.
- ستاری، الهام؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ سیمبر، رضا (۱۴۰۲ الف). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در مسأله آسیب‌های اجتماعی مورد مطالعه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دوازدهم. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴۲): ص ۲۵۰-۲۲۹.
- ستاری، الهام؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ سیمبر، رضا (۱۴۰۲ ب). اولویت‌بندی سیاست‌های فرهنگی در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی و تبیین مدل. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۱۳(۴۹): ص ۲۲۰-۲۰۱.
- سوزن چی، حسین؛ پورکیانی، محمد (۱۳۹۹). مفهوم «فرهنگ» در گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی. *دین و سیاست فرهنگی*، ۱(۷): ص ۷۵-۱۰۰.
- شجاری، مرتضی؛ صدقاتی، عاطفه (۱۳۹۹). مفهوم «فرهنگ متعالیه» در اندیشه ملاصدرا و ارتباط آن با شکل‌گیری شهر مطلوب. *حکمت صدرایی*، ۱(۹): ص ۷۵-۹۰.
- عیوضی، محمدرضا (۱۴۰۰). ارائه مدلی برای شناخت آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر آینده‌پژوهی اسلامی). *راهبرد اجتماعی- فرهنگی*، ۱۰(۴۱): ص ۸۹۲-۸۵۹.

غیاثی، محمد؛ حسینی گلی، سید اسماعیل؛ خسروی، محمدعلی؛ نادرپور، بابک (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی ارزیابی سیاست‌های فرهنگی ایران در ارتباط با منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای. *دولت‌پژوهی/انقلاب اسلامی*، ۸(۴): ص ۵۵-۸۰.

محمدیان منصور، صاحبه؛ گلخندان، ابوالقاسم (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روان در استان‌های ایران. *راهبردهای مدیریت در نظام سلامت*، ۷(۲): ص ۱۴۰-۱۵۱.

نصیری فیروز، علیرضا؛ عقیلی، رضا (۱۴۰۱). مرور نظام‌مند نشانگرهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی. *مدیریت فرهنگی*، ۱۶(۵۷): ص ۵۳-۳۷.

- Bushell, M.G. (2023). No time for rest: An exploration of sleep and social harm in the North East Night-Time Economy (NTE). *Critical Criminology*, 31(1): p. 145-160.
- Cislaghi, B. & Heise, L. (2020). Gender norms and social norms: differences, similarities and why they matter in prevention science. *Sociology of health & illness*, 42(2): p. 407-422.
- Cordero Verdugo, R.R., Silva Esquinas, A. & Pérez Suárez, J.R. (2022). The invisible suffering of young people during the COVID-19 pandemic in Spain and the collateral impact of social harm. *Social Sciences*, 11(8): p. 335.
- Eser, B. & Karaosmanoğlu, D. (2024). Gastrodiplomacy in Turkey: 'saving the world' or neoliberal conservative cultural policies at work. *International Journal of Cultural Policy*, 30(2): p. 192-206.
- Muggleton, N., Parpart, P., Newall, P., Leake, D., Gathergood, J. & Stewart, N. (2021). The association between gambling and financial, social and health outcomes in big financial data. *Nature Human Behaviour*, 5(3): 319-326.
- Ronkainen, N.J. & Wiltshire, G. (2021). Rethinking validity in qualitative sport and exercise psychology research: A realist perspective. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 19(1): 13-28.
- Schelhase, M. (2022). 'Houses Were Builded Upon Money...': Homeownership, the Individualisation of Risk and Social Harm. In: *The Political Economy of Risk in Finance and the Military* (pp. 23-58). Cham: Springer International Publishing.